

بررسی انتقادی پیامدهای برابری جنسیتی

در سند ۲۰۳۰ برای زنان در پرتو آیات قرآن کریم

آدینه اصغری نژاد کیسمی*

حمیدرضا حاجی بابایی**

زهرا رضازاده عسکری***

چکیده

دفاع از حقوق زنان دغدغه مهم سازمان‌های بین‌المللی در دهه‌های اخیر بوده است. هدف پنجم سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ به «برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان و دختران» اختصاص یافته است. با توجه به اینکه «توانمندسازی» و همه اهداف فرعی ذیل هدف پنجم به «برابری جنسیتی» برمی‌گردند، «برابری جنسیتی» برای تحقق همه اهداف سند ۲۰۳۰ محوریت دارد. نهاد زنان ملل متحد با توسعه مفهومی «برابری جنسیتی»، مفاهیم و مصادیق جدیدی را به سند می‌افزاید که در نگاه اول به سند دیده نمی‌شود، ولی ملاک پیگیری‌ها و مؤاخذه‌های بین‌المللی دولت‌ها قرار می‌گیرد. هدف این مقاله، شناسایی پیامدهای حقیقی برابری جنسیتی بر اساس مؤلفه‌های توسعه‌یافته برای زنان است و با روش تحقیق اسنادی و تحلیل انتقادی انجام گرفته است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد برابری جنسیتی در ظاهر، پیامدهای سودمندی به زنان جهان نوید می‌دهد، ولی در عمل با فروکاست منزلت انسانی زنان و تضعیف بنیان خانواده، تحمیل مسئولیت‌های بیشتر بر زنان در جامعه بدون توجه به علاقه‌ها و توانایی‌هایشان، همچنین افزایش فقر و کاهش سلامت و امنیت، مشکلات فردی و اجتماعی جدیدی برای زنان ایجاد

* دانشجوی دکتری قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، تهران، ایران (asgharinejad.94@ut.ac.ir).

** دانشیار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول: hajjibabaeei@ut.ac.ir)

*** استادیار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (zazgari@ut.ac.ir).

می‌کند. در حالی که رویکرد قرآن کریم بر اساس «عدالت جنسیتی» ارزش انسانی و ذاتی زنان را تبیین، جایگاه همسری و مادری در خانواده را تقویت، و حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی متناسب با آنان را تعیین می‌کند و الگویی به‌مراتب مؤثرتر و کارآمدتر است. انقلاب اسلامی ایران در عصر حاضر توانست نمونه عملی این الگو را برای زن به دنیا معرفی کند.

کلیدواژه‌ها: برابری جنسیتی، سند ۲۰۳۰، پیامدها برای زنان، زن در قرآن.

مقدمه

در دهه‌های اخیر تلاش‌های بسیاری برای دفاع از حقوق زنان انجام شده و تساوی حقوق زنان و مردان دغدغه مهم سازمان‌های بین‌المللی بوده است. نخستین کنفرانس حقوق زن که به اعلام تساوی حقوق زن و مرد انجامید در ۱۸۴۸ در نیویورک برگزار شد (اسعدی، ۱۳۹۱: ۸۰) و پس از آن در اعلامیه حقوق بشر و دو میثاق بین‌المللی بر تساوی حقوق زن و مرد تأکید شد. سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۵ در جهت توسعه حقوق زنان به عنوان «دهه سازمان ملل متحد برای زنان» نام‌گذاری شد و در دسامبر ۱۹۷۹ «کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان»^۲ با هدف تشویق و تضمین حقوق زنان و رفع هرگونه تبعیض بر اساس جنسیت به همت مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. با این همه در سال ۲۰۱۵، سند جدید توسعه پایدار با نام «سند دستور کار ۲۰۳۰»^۳ به تصویب سازمان ملل رسید که «دست‌یابی به برابری جنسیتی برای همه و توانمندسازی همه زنان و دختران» به همراه «حفاظت از کره زمین»، «رعایت حقوق بشر برای همه»، «ریشه‌کن کردن فقر» و «برخورداري همه مردم از صلح و رفاه» جزء مهم‌ترین اهدافش به شمار می‌آید (سند ۲۰۳۰، ۱۳۹۴: ۲۰-۱). سند ۲۰۳۰ در سایه به رسمیت شناختن برابری جنسیتی، پایان‌دادن به همه انواع تبعیض علیه زنان و دختران و برداشته‌شدن همه موانع حقوقی، اجتماعی و اقتصادی موجود بر سر راه توانمندسازی زنان، آینده‌ای درخشان به زنان جهان نوید می‌دهد (همان: ۱۴).

مطالعاتی درباره بررسی اهداف پنهان و پیدای سند ۲۰۳۰ و بررسی مسائل زنان در این سند انجام شده است، از جمله رضا حبیبی به «واکاوی بنیان‌های ایدئولوژیک سند ۲۰۳۰» پرداخته و حسین رضوانی در

۱. «میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» و «میثاق حقوق مدنی و سیاسی».

2. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women (CEDAW)

3. Sustainable Development Goals (SDGs)

«توسعه پایدار» سند ۲۰۳۰ را بررسی و نقد کرده است. همچنین، هاله و حوریه حسینی اکبرنژاد که «قلمرو تعهدات بین‌المللی در چارچوب اهداف چهارم و پنجم سند توسعه پایدار ۲۰۳۰: آموزش و برابری جنسیتی» را تحلیل کرده‌اند. با این حال، تحقیقات کمی پیامدهای تحقق عملی برابری جنسیتی برای زنان را کاویده است. واکاوی پیامدهای تحقق برابری جنسیتی برای زنان از چند جهت ضروری است: ۱. دستور کار ۲۰۳۰ سندی است که بر مبنای فرهنگ غربی، مبتنی بر اومانیزم و لیبرالیسم و با هدف یکسان‌سازی فرهنگی ملت‌های جهان نگاشته شده (رمضانی، ۱۳۹۹: ۱۵) و همان‌طور که سید علی خامنه‌ای تذکر داده است جزئی از اسناد بالادستی سازمان ملل و شامل منظومه‌ای فکری و فرهنگی و عملی در پشت صحنه است که برای همه دنیا فکر و فرهنگ و عمل تولید می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: B2n.ir/b07155)، پس لازم است از موضع گفتمان تمدن جدید اسلامی در قبال تمدن سکولار غرب، با اسناد بین‌المللی مواجهه شد (جهانیان، ۱۳۹۷: ۳)؛ ۲. این سند «الزام‌آور» است و کشورهای عضو موظف‌اند پیشرفت‌ها و مسائل خود را در عرصه دست‌یابی به برابری زنان گزارش دهند. همچنین، سازوکارهای نظارتی برای بررسی وضعیت اجرای آن وجود دارد (سند ۲۰۳۰، ۱۳۹۴: ۶۷-۶۵) و کشورهایی که در اجرای برنامه پیشنهادی عقب باشند تحت فشارهای بین‌المللی قرار خواهند گرفت (صابری فتحی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۱۶)؛ ۳. اگرچه هدف برابری جنسیتی افزایش کیفیت زندگی، بهبود رشد اقتصادی و کاهش فقر در جهت ایجاد رفاه جهانی و توسعه پایدار برای همه کشورهای است، ولی مبانی و مفاهیم پنهان و آشکار بسیاری در آن وجود دارد و ممکن است موجب تحمیل قوانینی بر کشور شود که با مبانی اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی سازگاری نداشته باشد (حبیبی، ۱۳۹۶: ۵۰).

این مقاله به تحقیق اسنادی و تحلیل انتقادی کلیدواژه «برابری جنسیتی» به عنوان اصلی‌ترین شیوه حمایت سند ۲۰۳۰ از زنان می‌پردازد و در صدد است با تمرکز بر مفاهیم پنهان در سند، رویکرد جدیدی در یافتن پیامدهای واقعی و عملی برابری جنسیتی برای زنان پیش نهد. بررسی مسائل زنان در آیات قرآن نشان می‌دهد که قرآن کریم با در نظر گرفتن همه ابعاد وجودی زنان در عرصه‌های فردی و اجتماعی، در برابر ادعای سودمندی برابری جنسیتی برای زنان شیوه برتری مطرح می‌کند. این یافته‌ها می‌تواند به ظهور الگوی کارآمدتری برای زنان منجر شود و با ترسیم و تبلیغ شاخصه‌های گوناگون آن، به تصمیم‌گیری‌های کلان در حوزه زنان کمک کند.

۱. مفهوم‌شناسی «برابری جنسیتی» در سند دستور کار ۲۰۳۰

سند ۲۰۳۰ یا «سند اهداف توسعه پایدار» مجموعه‌ای از اهداف و برنامه‌های جهانی است که در سپتامبر ۲۰۱۵ سازمان ملل متحد تصویب کرد. این سند نوعی نقشه راه جهانی برای مقابله با مسائل بزرگ عصر حاضر است و هدف نهایی‌اش ایجاد جهانی بهتر و پایدارتر برای تمام انسان‌ها و تحقق توسعه پایدار در سطح جهانی تا سال ۲۰۳۰ است. هدف ۵ این سند بر ایجاد برابری جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران تأکید دارد و شامل اموری همچون حذف تبعیض، دسترسی به آموزش، توانمندسازی اقتصادی، تأمین حقوق بهداشتی، مبارزه با خشونت و ترویج مشارکت سیاسی می‌شود.

سند ۲۰۳۰ «برابری جنسیتی» را یکی از بنیادی‌ترین حقوق انسانی معرفی می‌کند و آن را برای توسعه پایدار جامعه، کاهش فقر و تحقق عدالت اجتماعی ضروری می‌داند. این مفهوم به معنای تأمین حقوق برابر و فرصت‌های مشابه برای زنان و مردان در تمامی جنبه‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است و نه فقط حقی انسانی محسوب می‌شود، بلکه زمینه لازم را برای بهبود زندگی تمام افراد جامعه فراهم می‌کند. اهمیت برابری جنسیتی در این سند به قدری است که رد پای آن به عنوان هدفی راهبردی در سراسر مقدمه و متن سند مشهود است (سند ۲۰۳۰، ۱۳۹۴: ۱۰-۲۰). این تعبیر مجموعاً ۲۴ بار در سند به کار رفته و ۱۴ بار آن ذیل هدف پنجم نیست و بنا بر اقرار صریح بند ۲۰ سند، ارتباط تنگاتنگی با دیگر اهداف توسعه پایدار دارد: «به رسمیت شناختن برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان و دختران، در تحقق همه اهداف اصلی و فرعی این دستور کار نقش مؤثری دارد» (همان: ۱۸).

باید توجه داشت که درون‌مایه تعبیر «توانمندسازی زنان و دختران» نیز همان ایجاد «برابری جنسیتی» است و با ارجاع توانمندسازی زنان به برابری جنسیتی، آن هدفی که تمامی اهداف اصلی و فرعی سند در خدمت آن است و باید هدف نهایی قلمداد شود، برابری جنسیتی است (رمضانی، ۱۳۹۹: ۱۶۶). نهاد زنان ملل متحد مؤلفه‌های برابری جنسیتی را تعریف کرده و در توضیح مفاهیم، تعیین مصادیق و بعضاً توسعه مفهومی آن‌ها کوشیده است که در قالب پیوست سند ۲۰۳۰ مبنای پیگیری نهادهای بین‌المللی قرار می‌گیرد. «توسعه مفهومی یکی از اولویت‌های نهادهای نظارتی در زمینه حقوق بین‌الملل بشر است که این اقدام را به‌آرامی و به‌طور تدریجی و با رعایت التزام‌پذیری حداکثری دولت‌ها در قبال معاهدات حقوق بشری، در دستور کار خود دارند» (حسینی اکبرنژاد، ۱۳۹۸: ۴۳). جدول زیر بر اساس توضیح و توسعه مفهومی نهاد زنان

ملل متحد (B2n.ir/x44708) درباره مؤلفه‌های برابری جنسیتی تهیه شده است (نک: حسینی اکبرنژاد،

۱۳۹۸: ۷۹-۳۷).

جدول شناسایی مؤلفه‌های برابری جنسیتی در هدف پنجم سند ۲۰۳۰

توضیح نهاد زنان ملل متحد و توسعه مفهومی	هدف ۵ سند ۲۰۳۰
<p>اصل منع تبعیض علیه زنان به معنای تعهد به «نادیده‌گرفتن هیچ‌کس» عوامل معمول تبعیض: سن، جنس، نژاد یا قومیت، زبان، معلولیت، دین یا مذهب، وضعیت مهاجرت و... عوامل تبعیض مضاعف: ۱. تبعیض مبتنی بر «وضعیت خانوادگی و ازدواج» شامل تحمل بار روانی و انزوای اجتماعی زنان مطلقه و مادران تنها به دلیل بزرگ‌کردن کودکان خارج از چارچوب ازدواج، قوانین محدودکننده حق مالکیت زنان پس از طلاق، نقش‌های جنسیتی خانوادگی، و مسئولیت‌های نابرابر مالی مانند وظیفه مرد در تأمین مالی خانواده و نیز نابرخورداری یکسان زن و مرد از ارث و...؛ و غیرمالی مانند نیاز زن به اجازه مرد برای خروج از منزل و نیز حق طلاق و... ۲. تبعیض مبتنی بر «هویت جنسی» شامل حمایت از حقوق افراد ترانس، دوجنسیتی و همجنس‌گرا هویت جنسی در تعریف شورای حقوق بشر: «احساس عمیق و حواس تجربه‌شده یک نفر درباره جنسیت خود، چه مرد و چه زن یا دیگر وضعیت‌ها». بر اساس توسعه مفهومی «تبعیض» (به عنوان یکی از رویه‌های نهادهای بین‌المللی): تبعیض علیه کودکان متعلق به اقلیت‌های مذهبی (کودکان بهایی)، کودکان نامشروع (متولدشده خارج از چارچوب ازدواج) و کودکان با گرایش‌های جنسی متفاوت، از جمله کودکان ترانس، دوجنسیتی و همجنس‌گرا تأکید بر نفی جرم‌انگاری جرائم جنسی و نیز نفی هر گونه مقابله و آزار و اذیت آنان، مانند اخراج از مدرسه و...</p>	<p>۱. ۵. پایان‌دادن به همه انواع تبعیض علیه زنان و دختران در همه جا</p>
<p>انواع خشونت بدنی، جنسی، روانی و اقتصادی هر گونه خشونت مبتنی بر جنسیت در محیط خصوصی یا عمومی از طرف اعضای خانواده، دولت یا جوامع و گروه‌های مختلف، به عنوان یکی از مصادیق نقض حقوق بشر زنان و شکل سیستماتیک تبعیض</p>	<p>۲. ۵. ریشه‌کنی همه انواع خشونت علیه زنان و دختران</p>

<p>تأکید بر آسیب‌پذیرتر بودن زنان همجنس‌گرا در مقابل خشونت</p> <p>انواع خشونت: جنسی، جسمی، روانی یا اقتصادی</p> <p>برخی مصادیق معمول و متداول خشونت علیه زنان و دختران: اجبار زن به برقراری روابط جنسی در روابط همسری بین زوجین یا شرکای جنسی به معنای «تجاوز زناشویی یا تجاوز در روابط همسری» در ازدواج‌های رسمی یا غیررسمی و روابط شراکتی (غیرهمجنس و همجنس) و روابط با کارگران جنسی، آزار و اذیت جنسی به دست دیگران، آزار و اذیت کارکنان جنسی و زنان با گرایش‌های جنسی متفاوت، ازدواج زودهنگام و اجباری، ازدواج کودکان زیر ۱۸ سال، کشتن نوزاد دختر، قتل ناموسی، خشونت مرتبط با جهیزیه، قاچاق زن و...</p>	
<p>۱. جلوگیری از ازدواج و بارداری زودهنگام، محرومیت از مدرسه، انزوای اجتماعی، خشونت‌ورزی همسر یا شریک جنسی، ایفای زودهنگام نقش همسری و مادری (منع ازدواج افراد زیر ۱۸ سال به عنوان یکی از مصادیق خشونت علیه دختران)</p> <p>۲. جلوگیری از آثار سوء ختنه بر سلامت دختران در کوتاه‌مدت و بلندمدت</p>	<p>۳. ۵. ریشه‌کشی همه اقدامات زیانبار مانند ازدواج کودکان، ازدواج در سن بسیار کم و ختنه دختران</p>
<p>به رسمیت شناختن و ارزش‌گذاری: ۱. تولید و تهیه کالاها، مصرفی خود مانند جمع‌آوری آب و سوخت؛ ۲. ارائه خدمات ضروری مانند آشپزی و تمیزکردن خانه؛ ۳. کارهای داوطلبانه عام‌المنفعه برای جامعه، محیط زیست یا افراد دیگر، مانند پرستاری از کودک یا سالمند.</p> <p>شناسایی و ارزش‌گذاری مشاغل خانگی و مراقبتی از جمله خانه‌داری و پرستاری از کودک یا سالمند به منزله نوعی فعالیت اقتصادی دارای درآمد و بازتنه‌نگی و حمایت از آنان با افزایش فرصت‌های شغلی، به دلیل نقش مشاغل خانگی و مراقبتی در کاهش توانایی زنان برای اشتغال در مشاغل درآمدزا، کاهش امکان‌هایی از فقر، ماندن در وابستگی مالی، نداشتن امکان پس‌انداز و حقوق بازتنه‌نگی.</p> <p>شناسایی و ارزش‌گذاری: ۱. مشاغل خانگی و تلاش برای جایگزین کردن آن با اشتغال تمام‌وقت خارج از منزل؛ ۲. مشاغل مراقبتی با واگذارکردن آن به مؤسسات عمومی خارج از خانواده برای مراقبت و نگهداری از کودکان و سالمندان.</p> <p>ارزیابی «ایجاد تساوی و توازن تقسیم امور مراقبتی در زوج‌های همجنس در مقایسه با زوج‌های ناهمجنس» به عنوان دستاوردی مطلوب.</p>	<p>۴. ۵. به رسمیت شناختن و ارزش‌گذاری مراقبت‌های بدون دستمزد و کار در منزل</p>

<p>ارتقای جایگاه و سهم زنان در:</p> <p>۱. مجالس قانون‌گذاری (پارلمان) ملی</p> <p>۲. دولت‌های محلی</p>	<p>۵. ۵. تضمین مشارکت کامل در تمامی سطوح تصمیم‌گیری در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و زندگی عمومی</p>
<p>با هدف ارتقای تعداد زنان و دختران ۱۵-۴۹ سال دارای حق تصمیم‌گیری آگاهانه درباره سلامت خود:</p> <p>استقلال و خودمختاری زنان در برقرارکردن یا نکردن روابط جنسی با شوهر</p> <p>حق اولیه زنان و تصمیم تعیین‌کننده ایشان در استفاده از وسایل پیش‌گیری از بارداری در روابط جنسی</p> <p>استقلال و خودمختاری زنان در تصمیم‌گیری برای فرزندآوری</p> <p>حق زنان در تصمیم‌گیری در امور مربوط به سلامت جنسی باروری، مانند سقط جنین بدون مداخله دیگران (شوهر یا والدین)</p> <p>آزادی بی‌قید و شرط نوجوانان در دسترسی به اطلاعات، امکانات جنسی و خدمات تنظیم خانواده به صورت مستقل و بدون نیاز به اجازه والدین در امور مربوط به باروری</p> <p>از جمله سقط جنین</p> <p>آموزش جنسی در مدارس از ابتدایی تا متوسطه و دانشگاه‌ها منطبق با استانداردهای بین‌المللی،</p> <p>تأکید بر حمایت از سلامت و حقوق جنسی و باروری همجنس‌گرایان</p>	<p>۵. ۶. تضمین دسترسی جهانی به بهداشت باروری و جنسی و حقوق باروری</p>

اگرچه عناوین «حمایت از زنان و احقاق حقوق آنان در سایه برابری و توان‌افزایی»، «رفع تبعیض»، «منع خشونت»، «حمایت اقتصادی» و «مراقبت بهداشتی» برای هر انسان آزاده‌ای مطلوب و تحسین‌برانگیز است، ولی دقت در مؤلفه‌های برابری جنسیتی در جدول بیانگر دو نکته مهم است: اول اینکه طراحان سند فقط به برخی از ویژگی‌های زنان پرداخته و از سایر ویژگی‌ها غفلت ورزیده‌اند. توجه به بُعد معنوی و گرایش‌های دینی و اعتقادات مذهبی زنان هم به کلی جایگاهی در این سند ندارد. در این رویکرد، مسائلی همچون اشتغال، مشارکت سیاسی، دسترسی جهانی به امنیت شخصی، بهداشت باروری و جنسی و حقوق باروری، از ابعاد اعتقادی، اخلاقی و تربیتی و نقش ویژه خانوادگی زنان تفکیک شده، که سبب خواهد شد در درازمدت آسیب‌های جدی‌تری به زنان و جامعه انسانی وارد شود (خسروشاهی و یراقی، ۱۳۹۲: ۱۵۳).

نکته دوم اینکه، مقایسه دو ستون جدول نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین مؤلفه‌های اولیه حمایت از زنان در چارچوب هدف پنجم سند ۲۰۳۰ (ستون اول)، با تعریف و تفسیری که نهادهای بین‌المللی (نهاد زنان ملل متحد، کمیته محو تبعیض علیه زنان، صندوق جمعیت ملل متحد، یونسکو و...) از آن‌ها مطرح کرده‌اند (ستون دوم) وجود دارد. در حقیقت، آنچه ممکن است با قوانین داخلی و نظام ارزشی و اخلاقی حاکم بر جوامع، از جمله کشورهای اسلامی، سازگاری نداشته باشد و موجب اعمال فشارهای بین‌المللی برای تغییر آن قوانین شود، تعریف، توضیح و تفسیر اهداف آن است؛ مثلاً هدف فرعی «رفع تبعیض علیه زنان و دختران»، «منع تبعیض علیه افراد بر مبنای گرایش‌های جنسی از جمله همجنس‌گرایان» تفسیر شده است. بر این اساس، دولت‌ها به طور ضمنی و بر مبنای تفسیر نهادهای نظارتی، موظف به گردآوری آمار درباره افراد با گرایش‌های جنسی مختلف هستند و این آمار مقدمه‌ای برای مؤاخذه دولت‌ها، اجبارشان به نسخ و ملغاکردن قوانین داخلی و نیز تدوین سیاست‌ها و قوانین حمایت از همجنس‌گرایان در کشورها به شمار می‌آید. از آن جمله می‌توان به نفی جرم‌انگاری جرایم جنسی، حمایت از زنان همجنس‌گرا و کارگران جنسی، منع ازدواج افراد زیر ۱۸ سال، استقلال زنان در تصمیم برای برقراری روابط جنسی با شوهر، بارداری و سقط جنین، و آموزش جنسی در مدارس مطابق با استانداردهای بین‌المللی اشاره کرد (B2n.ir/x44708).

به طور کلی، برخی از این مفاهیم با اصول قرآن سازگار نیست و با آیات و آموزه‌های اسلامی در تضاد است. قرآن ارتباط جنسی خارج از ازدواج را منع کرده و بسیاری از رفتارهای مجرمانه مانند زنا (اسراء: ۳۲) و همجنس‌گرایی (عنکبوت: ۲۸-۲۹) را گناهان بزرگ شمرده و مجازات‌های سنگینی برای آن‌ها قرار داده است. همچنین، در آیات قرآن سقط جنین حرام است (انعام: ۱۴۰). قرآن به‌ویژه بر روابط هنجاری، معیارهای خانواده، و احترام متقابل بین زوجین تأکید دارد (روم: ۲۱) و در این زمینه حقوق زناشویی و حدود آن را برای هر یک از طرفین مشخص کرده است (بقره: ۲۲۱). همچنین، قرآن بر اصول بلوغ و توانایی در پذیرش مسئولیت ازدواج تأکید می‌کند (نساء: ۳)، لذا با توجه به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، هیچ منعی برای ازدواج افراد زیر ۱۸ سال وجود ندارد.

بدین ترتیب نباید به صورت سطحی و بدون دقت کافی به مفاهیم توسعه‌یافته (ستون دوم جدول) درباره سودمندی یا ناسودمندی برابری جنسیتی برای زنان و همچنین میزان انطباق این مفاهیم با احکام قرآن قضاوت کرد، بلکه لازم است پیامدهای گسترش مفهوم «برابری جنسیتی» را در زندگی زنان به دقت کاوید.

۲. پیامدهای برابری جنسیتی برای زنان

گرچه مسئله تساوی حقوق زن و مرد پیوسته از طریق معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی پیگیری می‌شود، گزارشی که زنان سازمان ملل و اداره امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۴ تهیه کرده و داده‌ها و شواهد جدیدی را درباره روندها و شکاف‌های برابری جنسیتی برجسته می‌کند، نشان می‌دهد که جهان همچنان در تعهدات خود در قبال زنان و دختران کوتاهی می‌کند. کاهش فقر، کاهش شکاف‌های جنسیتی در آموزش و تلاش برای اصلاحات قانونی مثبت را می‌توان از جمله نقاط قوت دانست. با این حال، فقط شش سال قبل از مهلت ۲۰۳۰ برای اهداف توسعه پایدار، حتی یک شاخص ذیل هدف ۵، برابری جنسیتی، کاملاً محقق نشده است (B2n.ir/g60601). ویلیام گاردنر معتقد است نتایج ناشی از توصیه‌های این‌گونه اسناد نتوانسته است به ارتقای جایگاه فردی و اجتماعی زنان کمک کند؛ نه فقط برای زنان سودمند نبوده، بلکه آثار خسارت‌بار، و گاه جبران‌ناپذیری برای زنان به دنبال داشته است (گاردنر، ۱۳۹۶: ۱۰۱). بنابراین، اثبات ادعای سودمندی مؤلفه‌های برابری جنسیتی در هدف پنجم سند ۲۰۳۰ صرفاً با بررسی پیامدهایش برای زنان امکان‌پذیر خواهد بود.

۲.۱. پیامدهای فردی برابری جنسیتی برای زنان

اشتباه در فهم جایگاه و شأن زن و نادیده‌انگاری تفاوت‌های زیستی و طبیعی زن و مرد، بحران زن در دنیا را ایجاد کرده است. سیاست و راهبردهای نادرست غرب درباره زنان باعث شد نامعادله‌ای شکل بگیرد که یک طرف آن زن است که از او انتفاع می‌برند و طرف دیگرش مرد است که نفع می‌برد. بر این اساس، همواره زن برای تثبیت جایگاه خود در اجتماع باید جذابیت‌های جنسی‌اش را به نمایش بگذارد و برای مرد چشم‌نواز باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، در: B2n.ir/e30059). پیامدهای حاصل از این وضعیت برای زنان عبارت است از:

۲.۱.۱. مردواره کردن زنان

بی‌شک تمهیدات برای افزایش فعالیت اجتماعی زنان ستودنی است، ولی آنگاه که «اشتغال زنان در فعالیت‌های درآمدزا» همراه با «واگذاری مراقبت از کودکان و سالمندان به مؤسسات عمومی» شاخص توسعه‌یافتگی محسوب شود، بدیهی است که نتیجه‌اش تشویق و ترغیب و حتی اجبار زنان و مادران به این روش از طرف اجتماع و حکومت خواهد بود، گرچه برخلاف میل طبیعی و غریزی یا گرایش ملی و مذهبی زنان باشد. در این شیوه، حق انتخاب زنان برای شغل تمام‌وقت یا مراقبت از فرزند، تلاش برای تأمین مخارج

خود یا استفاده از هزینه‌ای که همسر فراهم می‌کند، تشریک مساعی در امور زناشویی و فرزندآوری با همسر و احترام به حقوق او در زندگی مشترک یا سردی روابط بین همسران در نتیجه خودمختاری‌های قانونی نادیده گرفته می‌شود (دوبووار، ۱۴۰۰: ۱۲). در نتیجه زن میان معتبر بودن در جامعه و علائق خود سرگردان می‌ماند. حاصل تمام فعالیت‌های زن محور برای احیای کرامت پایمال‌شده زن در کشورهای غربی این است که تنها مسیر تحول وضعیت زنان، از میان رفتن انواع تبعیض‌ها در عرصه حقوقی، سیاسی و اجتماعی میان زن و مرد است تا به وضعیتی مشابه با مردان دست یابند و شأن و منزلت مردان را داشته باشند. در واقع، راه‌حل فرهنگ غرب برای بازگرداندن کرامت زن چیزی نیست جز «مردواره کردن زن» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، در: B2n.ir/f20869). در این نگاه، توانایی‌ها و علائق مردان اصل گرفته می‌شود و زنان برای رسیدن به آن توانایی‌ها و علائق تشویق می‌شوند؛ و اگر زنی نتواند توانایی‌ها و علائق مردان را داشته باشد احساس سرافکندگی و شکست می‌کند و سرزنش و تحقیر می‌شود و نتیجه آن است که خود زن می‌خواهد زن نباشد!

۲.۱.۲. تضعیف جایگاه زنان در خانواده

دنیای غرب، زن را با وعده‌ای توهم‌آمیز از داخل خانواده بیرون می‌کشد و او را در مقابل نگاه و حرکت هرزه جامعه، بی‌پناه و بی‌دفاع می‌کند و میدان را برای تعرض به او می‌گشاید (خامنه‌ای، ۱۳۸۴، در: B2n.ir/r59697). با نابودکردن خانواده به او اجازه نمی‌دهد به طور طبیعی مهر و عواطف مادری خود را بروز دهد و با آن رشد کند. همچنین، برای زنانی که علاوه بر وظایف طبیعی باید برای امرار معاش خود در جامعه به دنبال کار بگردند و شغلی مشابه مردان داشته باشند ازدواج یکی از موانع پیشرفت شغلی و اقتصادی‌شان به شمار می‌آید و استقلال اقتصادی و اجتماعی آن‌ها را به مخاطره می‌اندازد. در چنین اوضاع و احوالی ایفای نقش همسری یا مادری در اولویت نخواهد بود. البته مشکلات ناشی از برابری جنسیتی و برطرف کردن تفاوت جنسی برای زنان بیشتر و عمیق‌تر از مشابهت شغلی است. طرفداران برابری جنسیتی معتقدند باید هر گونه تفاوت جنسی در شکل تفاوت زیست‌شناسی را از طریق پیشرفت‌های فناورانه مربوط به تولید مثل دگرگون کرد و علم انسان، اختیار تولید مثل او را به عهده بگیرد. در این صورت، تفاوت در ظرفیت زاییدن بچه به یاری علم محو می‌شود و نقش بزرگ‌کردن بچه یا مادری کردن را در جامعه، مردان و زنان به یکسان به عهده می‌گیرند (فردمن، ۱۳۸۱: ۱۱۳).

۳.۱.۲. افزایش پدیده زنان سرپرست خانواده

یکی دیگر از پیامدهای برابری جنسیتی، افزایش تعداد «خانواده‌های تک‌والدی» است؛ خانواده‌هایی که در آن‌ها فرزندان صرفاً با یکی از والدینشان زندگی می‌کنند. این فرزندان اغلب (بیش از ۹۰ درصد) با مادرانشان زندگی می‌کنند (هاجری و دیگران، ۱۳۸۳: ۴۸)، گرچه افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار در کشورهای غربی ناشی از ترکیب پیچیده‌ای از عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و قانونی است ولی به طور طبیعی، ترویج نگرش استقلال‌طلبی در زنان، تشویق آن‌ها به پیوستن به بازار کار و تأمین مخارج خانواده، و تلاش برای افزایش دسترسی زنان به فرصت‌های شغلی که از جمله اقداماتی است که در سند ۲۰۳۰ برای زنان در زمره راهکارهای مؤثر به منظور ایجاد تغییرات اساسی در موقعیت‌های اجتماعی آن‌ها در نظر گرفته شده، به افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار و بروز مشکلات متعدد برای آن‌ها منجر می‌شود. مسائل اصلی زنان سرپرست خانوار در قالب مشکلات اقتصادی، فقدان آمادگی برای مدیریت امور مالی خانواده، نگرش‌های منفی اجتماعی به زنان در این موقعیت، نگرانی درباره آینده فرزندان و تعارض نقش‌ها نمایان می‌شود (خسروی، ۱۳۸۰: ۷۱).

۴.۱.۲. کاهش ناخواسته فرزندآوری

تدوین‌کنندگان سند ۲۰۳۰، امتیازات ویژه‌ای برای زنان باردار و بهداشت آن‌ها در نظر می‌گیرند، ولی چون برخی مشاغل نیازمند توجه تمام‌وقت هستند و دیگر جایی برای فرزندان نمی‌گذارند، عملاً زنان در میان دو انتخاب سرگردان‌اند: ساعات طولانی در روز به کار در خارج از خانه مشغول باشند، یا بر اساس تقاضای فطری‌شان به سراغ نگاه‌داری و پرورش فرزند بروند! مسئله برای زنان انتخاب میان «داشتن فرزند» یا «ادامه مسیر حرفه‌ای و ترفیع» است (هیولت و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۹۵)؛ گرچه «مادری» برای زنان تجربه‌گریزی خوشایندی است، ولی زنان برای نپرداختن هزینه‌گزارف از دست دادن موقعیت شغلی‌شان آن را کنار می‌گذارند، خصوصاً که سند ۲۰۳۰ برای تصمیم‌گیری در این امور به زنان خودمختاری داده است (توضیح هدف فرعی ۶ در جدول). در نتیجه در این دیدگاه، زنان جهان در راستای برابری با مردان باید جداً از تولید نسل بپرهیزند، زیرا بارداری و فرزندآوری دشمن جدی موقعیت‌های شغلی زنان است.

۵.۱.۲. افزایش بی‌بندوباری‌های جنسی

صفحه اینترنتی زنان سازمان ملل متحد، در ضمن گزارشی با عنوان «تبدیل وعده‌ها به عمل: برابری جنسیتی در دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» اصل «منع تبعیض علیه زنان» را «نادیده‌نگرفتن هیچ کس»

تعریف کرده که نتیجه‌اش حمایت از حقوق همجنس‌گرایان است. گرچه در متن سند صراحتاً به این گروه اشاره نشده، ولی دلیل محکم بر آن، تعریف و توضیح نهاد زنان سازمان ملل متحد از اهداف فرعی هدف پنجم در ستون دوم جدول است که بارها بر حمایت از این گروه تأکید شده است. از باب نمونه، همان‌طور که در جدول دیده می‌شود، یکی از انواع تبعیض در توضیح هدف فرعی ۱، تبعیض مبتنی بر «هویت جنسی» است و شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد «هویت جنسی» را چنین تعریف کرده است: «احساس عمیق و حواس تجربه‌شده یک نفر درباره جنسیت خود، چه مرد و چه زن یا دیگر وضعیت‌ها». عبارت «دیگر وضعیت‌ها» به افراد با «گرایش‌های جنسی مختلف» اشاره دارد و شامل حمایت از حقوق افراد ترانس، دوجنسیتی و همجنس‌گراست. در تعریف نهادهای بین‌المللی دشواری تفکیک دقیق میان هویت جنسی و جنسیت بیولوژیکی، تغییر هویت جنسی در طول زمان و بروز آن به اشکال و شیوه‌های مختلف، و نپذیرفتن آنکه همه افراد هنگام توصیف هویت جنسی‌شان، در یکی از دو گروه قرار نخواهند گرفت باعث ایجاد تبعیض به دلیل هویت جنسی خواهد شد (حسینی اکبرنژاد، ۱۳۹۸: ۴۱). همچنین، برای دست‌یابی به رفع هر گونه خشونت علیه زنان در هدف فرعی ۲، «زنان با گرایش‌های جنسی متفاوت» (از جمله همجنس‌گرایان) و «کارکنان جنسی» (از جمله زنان تن‌فروش) به عنوان افراد قربانی تبعیض مضاعف، از گروه‌های آسیب‌پذیر در مقابل خشونت شمرده شده‌اند و بر آسیب‌پذیرتر بودن زنان همجنس‌گرا در مقابل خشونت تأکید شده است که دولت‌ها متعهد به شناسایی و حمایت از آن‌ها هستند.

بر این اساس، دولت‌ها به طور ضمنی و بر مبنای تفسیر نهادهای نظارتی، از جمله نهاد زنان ملل متحد، موظف به جمع‌آوری آمار مربوط به افراد با گرایش‌های جنسی مختلف هستند تا آن‌ها را از تبعیض جنسیتی حفظ کنند. این آمار همچنین مقدمه‌ای برای تدوین سیاست‌ها و قوانین حمایتی در این زمینه به شمار می‌رود. افزون بر این، جمع‌آوری این داده‌ها می‌تواند به ایجاد تصورات نادرست درباره افراد و تبلیغ گونه‌های مختلف انحراف جنسی منجر شود و حتی چه بسا به تغییرات در قانون اساسی کشورها بینجامد.

۲.۲. پیامدهای اجتماعی برابری جنسیتی برای زنان

در اینکه بر اساس ماده ۲۰ دستور کار ۲۰۳۰، دولت‌ها باید برای رفع تبعیض در زمینه اشتغال زنان و دختران اقدامات مقتضی را فراهم آورند و فرصت‌های یکسان با مردان و پسران برایشان ایجاد کنند (سند ۲۰۳۰، ۱۳۹۴: ۱۸) خللی وارد نیست، اما اصرار بر اشتغال تمام‌وقت زنان با شرایط مساوی کار برای زنان و مردان، در درازمدت

آسیب‌های جدی به زنان وارد می‌کند؛ چراکه بی‌توجهی به تفاوت‌های جسمی و روحی زنان و مردان در هنگام کسب شغل، امکان بروز بیماری‌های جسمی و روانی را برای زنان افزایش می‌دهد (هیولت و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۵۹). علاوه بر آن، به نظر می‌رسد برابری جنسیتی، این آثار را در اجتماع برای زنان به دنبال دارد:

۱.۲.۲. افزایش چشمگیر وظایف و مسئولیت‌ها

یکی از نکاتی که در سند ۲۰۳۰ بر آن تأکید می‌شود اشتغال تمام‌وقت زنان با شرایط مساوی کار برای زنان و مردان است. این یعنی زنان مسئولیت‌های بیشتری در جامعه بپذیرند. پس از انقلاب صنعتی در اروپا و ورود زنان به بازار کار، فعالیت در خارج از منزل هم به مسئولیت‌هایشان اضافه شد. همان‌طور که اعطای حق مالکیت به زنان در اروپا نیز به دلیل نیاز کارخانه‌ها به نیروی کار به زنان داده شد. با افزایش تعداد کارخانه‌ها مشاغل جدیدی ایجاد شد. لذا برای جذب زنان به کارخانه‌ها و استفاده از نیروی کار آن‌ها این اعلان صورت گرفت که زنان حق مالکیت دارند و به این شکل می‌توانستند با پرداخت دستمزد کمتری از آن‌ها بهره‌برداری کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۳، در: B2n.ir/d55536)، گرچه ویل دورانت درباره اشتغال زنان در خارج از خانه در غرب می‌گوید: «کارخانه‌داران، زنان را به کارخانه‌ها کشاندند و بدین ترتیب زنان را از بندگی و جان‌کندن در خانه رهانیده، گرفتار بندگی و جان‌کندن در مغازه و کارخانه کردند» (دورانت، ۱۳۶۹: ۱۵۱). ولی در حقیقت بسیاری از زنان علاوه بر کار در کارخانه‌ها همچنان نقش‌های خانگی‌شان را ایفا می‌کردند. آن‌ها معمولاً ساعت‌های طولانی را در محل کار می‌گذرانیدند و پس از آن به خانه بازمی‌گشتند تا به کارهای منزل، از جمله مراقبت از کودکان و وظایف خانگی، برسند. سند ۲۰۳۰ با شعار برابری جنسیتی، خروج از خانه و ورود به فعالیت‌های اجتماعی سنگین را تنها راه آزادی و اثبات برابری زنان با مردان معرفی می‌کند. این رویکرد بار اضافی را بر دوش زنان می‌گذارد، در حالی که آن‌ها مسئولیت‌های زنانه‌ای و خانوادگی پُرشماری به عهده دارند.

۲.۲.۲. کار اجباری در سایه برابری اجباری

بر اساس سند ۲۰۳۰ یکی از شاخص‌های مهم ارتقای وضعیت زنان، میزان حضور زنان و نحوه ایفای نقش در عرصه‌های اقتصادی است، گرچه زن در هنگامه تغییر تعریف خانواده در غرب انتخاب دیگری ندارد و برای اینکه همچون مرد انسانی باشخصیت به شمار بیاید راهی ندارد جز اینکه مانند مرد در عرصه سیاسی و اقتصادی حاضر شود، در محیط کار، مردانه بازی کند و زنانه پیروز باشد (اوانز، ۱۳۸۰: ۱۰). تبلیغات شدید هم در گرایش زنان برای داشتن شغل و رسیدن به استقلال مالی به عنوان تنها راه چاره برای رسیدن به آزادی و

دریافت حقوق اولیه خود مؤثر است، چنانچه در گزارش یونیسف آمده است: «قدرت اقتصادی و سیاسی موجب کاهش یافتن خشونت علیه زنان می‌شود» (B2n.ir/x44708). البته این از خط مشی عمومی فمینیسم دور نیست که از یک طرف از آزادی زنان بحث می‌کند، و از طرف دیگر حق انتخاب را از زنان سلب می‌کند، به این بهانه که زنان ممکن است نخواهند از آزادی‌شان به سبکی که آن‌ها تعیین کرده‌اند استفاده کنند. سیمون دوبووار می‌گوید:

هیچ زنی نباید مجاز باشد تا در خانه بماند و فرزندانش را بزرگ کند. جامعه باید به طور کامل متفاوت شود. زنان نباید حق انتخاب داشته باشند، دقیقاً به این دلیل که در صورت داشتن حق انتخاب، بسیاری از آن‌ها سرگرم همان کارهای پیشین خود می‌شوند (دوبووار، ۱۴۰۰: ۱/۱۲).

زنان در نهایت، از روی اجبار و اکراه و نه به میل خود، احساس می‌کنند برای بهره‌مندی از فواید برابری جنسیتی راهی جز این ندارند که وارد رقابت شغلی با مردان شوند و این همان «کار اجباری در سایه برابری اجباری» است.

۲.۲.۳. افزایش فقر و کاهش حمایت‌های سودمند

وظایف و مسئولیت‌های بیشتر همراه با توانایی‌های جسمانی کمتر و دشواری رقابت با مردان در عرصه اجتماع، برای بسیاری از زنان امکان تأمین کامل مخارج زندگی را دشوار می‌کند. زن غربی چاره‌ای جز این ندارد که برای امرار معاش خود کار کند. این وضعیت حتی پس از ازدواج یا تولد فرزند هم ادامه دارد. در این صورت اغلب، شغل‌هایی را به زنان می‌دهند که تمایل مردان برای اشتغال به آن‌ها کمتر است و از دستمزد کمتری هم برخوردارند، مانند رفتگری شهرداری‌ها، گارسونی رستوران‌ها و کارگری کارخانه‌ها. از طرف دیگر، سبک زندگی جدید، زنان را از چتر حمایت مالی مردان در خانواده خارج می‌کند و آن‌ها را وامی‌دارد تا خود به‌تنهایی بر مشکلات اقتصادی‌شان چیره شوند. بنا بر اعتراف برخی زنان متفکر غربی، از جمله هیولت، نویسنده کتاب معیشت محقر، زنان آمریکایی در موقعیتی گرفتار آمده‌اند که از یک طرف ازدواج به عنوان منبع طولانی‌مدت و اتکاپذیر امنیت مالی فروپاشیده است و زنان پشتیبان و نقطه اتکای قبلی‌شان را از دست داده‌اند، و از طرف دیگر نتوانسته‌اند با فعالیت در بازار کار درآمدشان را بهبود ببخشند و شکاف درآمد میان زنان و مردان به همان عمق و گستردگی پیشین و همیشگی‌اش باقی مانده است. در این میان سیاست‌های عمومی هم به گونه‌ای مطرح نشده‌اند که آن‌ها را در جهت ادغام دو نقش دشوار مادری و شغلی یاری کنند (هیولت و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۵۸).

۴.۲.۴. افزایش آمار آزار و اذیت‌های جنسی و تجاوز به عنف در اجتماع

بر اساس گزارش‌های «کمیته رفع تبعیض علیه زنان در سازمان ملل» آمار فجایع جنسی علیه دختران و زنان از قبیل خشونت‌های خانگی، تجاوز جنسی، قاچاق دختران و زنان برای بردگی جنسی، و استفاده از زن به عنوان کالای جنسی در رسانه‌ها و تبلیغات در کشورهایی مانند انگلستان، فرانسه، آلمان، سوئد، بلژیک، فنلاند و آمریکا شیوع گسترده‌ای داشته است (B2n.ir/w25318). همچنین، آمار اذیت و آزار جنسی زنان در اماکن عمومی مانند مترو یا در میان پرستاران، پلیس، ارتش و... چنان بالاست که گزارش‌هایشان در روزنامه‌ها و مجلات سراسری به طور متناوب چاپ می‌شود؛ مثلاً طبق آمار پنتاگون احتمال اینکه در ارتش آمریکا به سربازان زن تجاوز شود از احتمال جراحتشان در جنگ بیشتر است! (B2n.ir/w75348) گزارش زنان سازمان ملل به مناسبت روز جهانی منع خشونت علیه زنان، در ۲۵ نوامبر ۲۰۲۳ نشان می‌دهد که کشتن زنان، که شدیدترین شکل خشونت است، به صورت مشکلی گسترده در سراسر جهان باقی مانده است (B2n.ir/b36979). توجه به این گزارش‌ها از آن جهت اهمیت دارد که اساساً تلاش برای تحقق برابری جنسیتی با هدف تأمین سلامت و امنیت زنان صورت می‌پذیرد، در حالی که آمارها نشان می‌دهد تعداد زنانی که در معرض خشونت واقع می‌شوند یا به دلایل گوناگون از سلامت و امنیت بالایی برخوردار نیستند، در حال افزایش است. زنان و دختران حتی در کشورهایی که به گسترش برابری جنسیتی، به عنوان یکی از اصول پذیرفته‌شده در سند ۲۰۳۰، بیشترین تعهد را دارند، از سلامت و امنیت بیشتری برخوردار نیستند.

۳. رویکرد قرآن کریم به مسائل زنان

اسلام، که دستورها و رهنمودهایش را در سه نظام اعتقادی، اخلاقی و حقوقی (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۹۱/۴) به گونه‌ای تنظیم کرده است تا سعادت انسان هم در دنیا و هم در آخرت فراهم شود، همان‌طور که در حمایت مردان برای پیمودن مسیر سعادت هدایتگر است، هدایت زن را هم در این پیمایش به عهده دارد. قرآن راه رسیدن به مقامات معنوی و قرب الاهی را برای زن و مرد، ایمان و عمل صالح می‌داند، به گونه‌ای که هیچ یک بر دیگری جز با تقوا برتری نخواهد داشت. از این‌رو قرآن برای احیای جایگاه زن و اصلاح قضاوت‌های نادرست راجع به زن، ویژگی‌هایی را برای انسان مطرح می‌کند که تحت تأثیر جنسیت قرار ندارد:

۱) آفرینش: در قرآن کریم، خلقت انسان فارغ از زن و مرد بودن بیان شده است، مانند: «بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ» (سجده: ۷)؛ و زن و مرد از یک حقیقت یکسان خلق می‌شوند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً» (نساء: ۱؛ علق: ۲؛ مرسلات: ۲۰؛ روم: ۳۰؛ حجرات: ۱۳).

(۲) هویت انسانی: خداوند در قرآن کریم پس از بیان مراحل آفرینش بدن انسان، به خلقت روح اشاره می‌کند: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر: ۲۹؛ ص: ۷۲). آفرینش انسان با دمیدن روح در بدنش کامل می‌شود و چون روح منشأ غیر جسمانی دارد، بدون جنسیت است و هویت انسانی و شخصیت آدمی تحت تأثیر ویژگی‌های زنانه و مردانه قرار ندارد (جوادی آملی، ۱۳۷۱: ۶۶).

(۳) کرامت ذاتی: ارزش و کرامت ذاتی هم شرافت ویژه‌ای برای انسان است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ؛ به راستی ما فرزندان آدمی را گرامی داشتیم» (اسراء: ۷۰) که نباید آن را در سیر آفرینش بدن انسان، که حیوانات هم آن را پیموده‌اند جست‌وجو کرد. در قرآن کرامت انسان و برتری او بر سایر آفریده‌ها پس از بیان مراحل شگفت‌انگیز سیر نطفه در رحم مادر آورده شده است (مؤمنون: ۱۴)، آنگاه که خداوند به مهم‌ترین مرحله آفرینش بشر، یعنی دمیدن روح، اشاره می‌کند و از آن به «آفرینشی تازه» تعبیر می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۴۴/۳). بنابراین، چون روح فاقد جنسیت است، کرامت نیز هم به مرد و هم به زن تعلق دارد.

(۴) صفات و ویژگی‌های انسانی: قرآن کریم انسان را با صفات پسندیده یا نکوهیده‌ای توصیف می‌کند که به طبیعت انسان برمی‌گردند و فاقد جنسیت‌اند، صفاتی مانند بخیل، ضعیف، عجول، ظلوم، جهول، و... که انسان در بیش از ۵۰ آیه با آن‌ها سرزنش شده است. همچنین، قابلیت انسان برای اینکه در سیر تکاملی‌اش بتواند مظهر اسماء و صفات الاهی، خلیفه خدا و مسجود فرشتگان شود (بقره: ۳۴؛ حجر: ۲۹؛ ص: ۷۲) اختصاصی به مرد یا زن ندارد، بلکه هم زن و هم مرد را خطاب قرار می‌دهد.

(۵) قوانین و احکام کلی: خداوند در قرآن کریم به روشنی تصریح می‌کند که زنان و مردان از نظر فطرت، سرشت، هدف خلقت، استعدادها و امکان کسب ارزش‌ها، و همچنین پاداش و جزای اعمال در برابر خدا یکسان‌اند. آن‌ها همچنین از حقوق انسانی و اجتماعی یکسانی برخوردارند و باید با احترام و عدالت با هم تعامل کنند. با این حال، چه‌بسا در برخی زمینه‌ها به دلیل نقش‌های طبیعی و اجتماعی هر جنس تفاوت‌هایی وجود داشته باشد که باید درک و پذیرفته شود تا مصالح واقعی انسان‌ها به بهترین وجه تأمین گردد. طبعاً در اشتراکات باید حقوق و تکالیف مشترک و یکسانی وضع شود، اما در جایی که تفاوت‌ها مصالح متفاوتی را اقتضا می‌کند، به‌ناچار باید حقوق و تکالیف مختلف وضع گردد.

رعایت نکردن حقوق و تکالیف متفاوت، درست مانند رعایت نکردن حقوق و تکالیف مشترک، سبب می‌شود مصالح بشر کاملاً تأمین نشود. پس همان‌گونه که استعداد‌های همانند، ملاک حقوق و تکالیف مشترک انسان‌هاست، توانایی‌های ناهمانند هم معیار حقوق و تکالیف مختلف آن‌هاست (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۲۲۴). زن و مرد به دلیل وجود ویژگی‌های طبیعی که در نظام احسن ضروری است، در بسیاری از جنبه‌ها مشابه یکدیگر نیستند و از نظر حقوق، تکالیف و مجازات‌ها وضعیت یکسانی ندارند (مطهری، ۱۳۶۵: ۱۵۳). آفرینش به هر یک از دو جنس مذکر و مؤنث استعداد‌های طبیعی عطا کرده و هر یک را به گونه‌ای خاص آفریده است تا هر کدام نقش خاصی در جهان هستی ایفا کنند و مکمل نقش دیگری باشند. ساختار وجودی متفاوت و ویژگی‌های جسمی اختصاصی مرد و زن باعث می‌شود تناسب بیشتری برای زندگی مشترک پیدا کنند (همان: ۲۰۲). مکمل بودن زن و مرد در اسلام به این معناست که هر یک از آن‌ها با ویژگی‌ها و نقشی خاص به یکدیگر کمک می‌کنند تا زندگی متعادل، پایدار و خوشبختی بسازند. این رابطه بر مبنای همکاری، احترام و درک متقابل بنا شده است و می‌تواند زمینه‌ساز پیشرفت اجتماعی و خانوادگی باشد (فعالی، ۱۳۸۸: ۱۸۸).

لذا آیات بیان‌کننده این قوانین و احکام دو دسته‌اند: الف. قرآن کریم با توجه به صفات مشترک زن و مرد، قوانین یکسان و احکام مشابهی در اخلاقیات و عبادات، و نیز در هدایت و رشد وضع کرده است که به یکسان برای زنان و مردان قابل اجراست، مانند: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ» (حجرات: ۱۳) یا «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ» (مانده: ۳۸)، و «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّانِمِينَ وَالصَّانِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب: ۳۵)؛ ب. در دسته دیگری از آیات به تفاوت‌های زن و مرد به عنوان مشخصه‌های طبیعی و اجتماعی هر جنس اشاره شده و با توجه به مکمل بودن آن‌ها احکام و قوانین خاصی وضع شده است. برخی از این آیات عبارت‌اند از: «لِلذَّكَرِ مِثْلُ مِثْلِ الْأُنثِيَّيْنَ» (نساء: ۱۱)؛ «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء: ۳۴)؛ «قُلْ لِأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» (احزاب: ۵۹)؛ «أَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً» (نساء: ۴) و «فَاتَّوهُنَّ أَجْرَهُنَّ فَرِيضَةً» (نساء: ۲۴).

در واقع، قرآن با اصیل‌دانستن و به رسمیت شناختن تفاوت‌های جنسیتی زن و مرد و وضع احکام و قوانین مشابه یا متفاوت، در صدد برقراری عدالت بین زن و مرد است. بدیهی است مواجهه برابر در شرایط نابرابر، عادلانه نیست؛ برابری در شرایط نابرابر به همان اندازه ظلم محسوب می‌شود که نابرابری در شرایط برابر. عدالت برابری در شرایط برابر، و نابرابری در شرایط نابرابر است (هاجری و دیگران، ۱۳۸۳: ۳۱). بنابراین، «عدالت جنسیتی» مد نظر قرآن را نباید با «برابری جنسیتی» اشتباه گرفت؛ عدالت جنسیتی «تساوی در حقوق اولیه و تفاوت در حقوق ثانویه» تعریف می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۱۰/۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳/۳۶۵).

۴. پیامدهای روش حمایتی قرآن کریم برای زنان

در بررسی رویکرد قرآن کریم به مسائل زنان روشن شد که قرآن بر فارغ‌بودن انسانیت از جنسیت از یک سو و به رسمیت شناختن تفاوت‌های جنسیتی زن و مرد از سوی دیگر تأکید دارد. همچنین، با تبیین نظام‌مند حقوق و مسئولیت‌های زنان در عرصه‌های گوناگون زمینه رشد هماهنگ و متوازن ابعاد مادی و معنوی زنان در زندگی را فراهم می‌کند. قرآن کریم بارها بر رفتار نیک با زنان تأکید فرموده و به مسلمانان سفارش می‌کند در تعامل با آنان احترام و محبت را مد نظر قرار دهند (نساء: ۱۹). بدین‌منظور در قرآن کریم ۳۴۹ آیه مربوط به زنان نازل شده که در ۶۰ سوره از قرآن قرار دارد (مهریزی، ۱۳۹۳: ۱۸). یک سوره به نام زنان (نساء) و یک سوره به نام مریم، بانوی نمونه قرآنی، نام‌گذاری شده است. روش حمایتی قرآن کریم آثار فردی و اجتماعی برای زنان به دنبال خواهد داشت:

۴.۱. پیامدهای فردی روش حمایتی قرآن کریم برای زنان

در دیدگاه قرآن، زن و مرد از نظر انسانی و کرامت یکسان‌اند و هیچ یک بر دیگری برتری ندارند. قرآن با معرفی زن به عنوان موجودی مستقل و ارزشمند، دیدگاه‌های نادرستی را نقد می‌کند که به تحقیر یا تضعیف نقش زنان می‌انجامد و هویت ذاتی پایمال‌شده آن‌ها را احیا می‌کند. آیات قرآن با به رسمیت شناختن ویژگی‌های فردی زنان، بر رشد هماهنگ و متوازن ابعاد مادی و معنوی آن‌ها تأکید می‌کند و احکام اختصاصی برایشان وضع می‌کند. بخشی از رسالت زنان در قرآن، حفظ و مدیریت خانواده است. بدین ترتیب قرآن نقش همسری زن را تقویت، و بر جایگاه ویژه مادری تأکید می‌کند، در حالی که مردان را هم موظف می‌کند به زن احترام بگذارند و او را حمایت کنند.

۴.۱.۱. بازیابی منزلت ذاتی زنان

قرآن با تأکید بر یکسان بودن ریشه آفرینش مرد و زن می‌کوشد با به رسمیت شناختن زن در کنار مرد، منزلت ذاتی زنان را که در طول تاریخ محل تردید واقع می‌شد تثبیت کند. از نظر قرآن، زن مانند مرد دارای روح الهی است (حجر: ۲۹؛ ص: ۷۲) و مسئولیت خلافت الهی را بر عهده دارد (بقره: ۳۰) و چه بسا در سایه رشد دانش و تقوای الهی الگوی تمام مردان و زنان جهان قرار گیرد، چنان‌که قرآن در بیان مقام والای زن با عبارت «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا» از زنانی یاد می‌کند که در عرصه ایمان، عمل صالح و پیمودن مدارج رشد و کمال، گوی سبقت از دیگران برده‌اند و آسیه و مریم را به عنوان الگویی فرازمانی و فرامکانی برای همه انسان‌های کافر و مؤمن، مرد و زن، در همه دوران‌ها معرفی می‌کند (تحریم: ۱۱-۱۲). قرآن بدین وسیله زنان را در جایگاه حقیقی خود قرار می‌دهد.

۴.۱.۲. ارزش نقش همسری زن در قرآن

نقش همسری برای زنان در اسلام ویژه است. اوج ارزش همسری برای زن در این کلام امیرالمؤمنین دیده می‌شود: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعِ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۶). در قرآن کریم اولین کارکرد تشکیل خانواده، تأمین آرامش جسم و تسکین جان اعضای آن است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم: ۲۱) و این داستان از آفرینش آدم و حوا آغاز می‌شود (اعراف: ۱۸۹). اقناع و ارضای جنسی همسران هم نقش مهمی در این آرامش دارد که نشاط و سبک‌بالی ناشی از آن، جسم و روحشان را در بر می‌گیرد. ابراز احساسات، بیان اسرار، ارضای غرایز و تأمین نیازهای جسمی و روحی انسان در فضای امن خانه هم در ایجاد این آرامش سهمی دارد (علاسوند، ۱۴۰۰: ۲۰۳). حتی خانه‌داری و مدیریت امور منزل که معمولاً بر دوش زنان قرار دارد، از آن جهت مهم است که تأثیر شگرفی در ایجاد احساس امنیت اعضای خانواده، افزایش نشاط، حفظ سلامت و وابسته‌شدنشان به خانه دارد. همچنین، در کلام خداوند زنان لباس مردان، و مردان لباس زنان معرفی شده‌اند (بقره: ۱۸۷). لباس مانع از آسیب، پوشاننده عیوب، حافظ از گرما و سرما، و زینت‌بخش و مایه آرامش انسان است (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۵۵).

اصول حاکم بر خانواده در قرآن کریم بر پایه مکمل دانستن زن و مرد برای یکدیگر، ایجاد مودت بین زن و شوهر، و بیان حقوق و تکالیف متناسب برای زن و مرد شکل می‌گیرد. خانواده از یک سو به مدیریت نیاز دارد که وظیفه مرد است، گرچه مدیریت می‌تواند بر اساس مشاوره صورت پذیرد، همان‌طور که قرآن کریم تصمیم‌گیری درباره زمان از شیر گرفتن فرزند را به رضایت و صواب‌دید پدر و مادر موکول کرده است: «پس

اگر پدر و مادر بخواهند با رضایت و صواب‌دید یکدیگر، کودک را از شیر بازگیرند گناهی بر آن دو نیست» (بقره: ۲۳۳)؛ از سوی دیگر وابسته به محبت است که این نقش به زن واگذار شده است. از این‌رو، از نظر قرآن، زن بودن و مرد بودن هویت‌های منفرد و مستقل از یکدیگر نیستند، بلکه تفاوت‌های جسمی‌روانی زن و مرد، که بی‌شک از شاهکارهای خلقت به حساب می‌آید (اسعدی، ۱۳۹۱: ۱۹)، نقش مهمی در بقای نسل و ایجاد آرامش انسان بازی می‌کند.

۴. ۱. ۳. مادری، نقش ویژه زن در قرآن

یکی از ویژگی‌های مهم زن، که در قرآن بسیار محترم شمرده شده، نقش مادری او در خانواده است (احقاف: ۱۵). این نقش اختصاصی زن، در تمام فرهنگ‌ها از احترام و تقدس خاصی برخوردار است و معمولاً مادر، زیباترین و محبوب‌ترین کلمه به شمار می‌آید. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ» (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۸۶: ج ۱۳، ح ۲۲۶۶۴). این حدیث تأکید می‌کند که بهشت زیر پای «مادران» است، نه اینکه زیر پای «زنان» است؛ یعنی «مادربودن» برای زنان اصالت دارد و هیچ کار دیگری را نمی‌توان با این مقام مقدس برابر دانست. همچنین، از دستورهای مؤکد قرآن کریم و نخستین سفارش لقمان حکیم به پسرش پس از نهی از شرک، احترام به والدین است (لقمان: ۱۳-۱۴)، ولی «حق مادر» به قدری گسترده و مهم است که حتی از «حق پدر» برتر است (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۲۲). خداوند در آغاز آیه ۱۵ سوره احقاف و آیه ۱۴ سوره لقمان، درباره والدین، نگره‌داری از آنان در زمان ضعف و پیری و تأمین مالی‌شان در هنگام نیاز سفارش می‌کند، ولی به هنگام بیان زحمات و خدمات، بر زحمات مادر تکیه دارد و از زحمات پدر سخنی نمی‌گوید تا انسان را متوجه ایتارگری‌ها و حق بزرگ مادر کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۱/۱۷) و بدین وسیله به انسان گوشزد کند که سهم مادر از مشکلات فرزند بیشتر است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸/۳۲۵).

۴. ۱. ۴. موظف کردن مردان به حمایت از زنان

حمایت از زنان در خانواده بر پایه قوامیت مرد و حسن معاشرت است. مفهوم «قوامیت» مرد در خانواده از این آیه گرفته شده است: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء: ۳۴). شرط سرپرستی و مدیریت، بسته به توان فکری، بدنی، و تولیدی است. لذا مردان نه فقط در امور خانواده، بلکه در امور اجتماعی، قضاوت و جنگ نیز بر زنان مقدم‌اند. از این‌رو در آیه نگفته است: «قَوَّامُونَ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ» (قرآنی، ۱۳۷۶: ۲/۳۲۶). پس قوامیت مرد بر خانواده فقط سرپرستی به معنای امر و نهی نیست. وظیفه کارهای اداری و اجرایی خانواده بر عهده مرد گذاشته شده است (جوادی آملی، ۱۳۷۱: ۳۱)

تا مرد به دلیل داشتن خصوصیات فیزیکی و طبیعی، مانند ترجیح قدرت علم و تفکرش بر نیروی عاطفه و احساسات زن (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۴۲/۴) و طاققتش در انجام دادن کارهای دشوار (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۷۰/۳) هزینه‌های زندگی آبرومندانه (نفقه) و مهریه زنان را پرداخت کند و حمایت و نگهداری از خانواده را به عهده گیرد و با عدالت امور خانه را تدبیر کند:

قرآن این وظایف را به گونه‌ای تذکر داده که مردان را به برآوردن احتیاجات زنان تشویق نماید، احتیاجاتی که بر اثر ویژگی‌های زنانه و وظایف سختی از قبیل حمل فرزند و وضع او به وجود می‌آید. بر این اساس، در این آیه مسئله مردسالاری یا ریاست مستبدانه او بر خانواده مطرح نیست (اسعدی، ۱۳۹۱: ۶۲۵).

حسن معاشرت نیز گرچه وظیفه عقلی و شرعی مرد و زن است (جوادی آملی، ۱۳۷۱: ۷۰) ولی بر اساس سابقه تاریخی رفتار مستبدانه و خشونت‌آمیز مردان با زنان در فرهنگ‌های جاهلی، و نیز چون قرآن ریاست خانواده را بر عهده مرد گذاشته است و این می‌تواند زمینه‌ساز بی‌حرمتی یا از بین بردن حقوق زنان شود، خداوند در قرآن توصیه به حسن معاشرت را از مردان آغاز کرده و در آیه ۱۹ سوره نساء مردان را به حسن معاشرت با زنان و منع خشونت علیه آنان مکلف کرده است. قرآن کریم بر حسن معاشرت مردان با زنان تأکید ویژه‌ای دارد و مردان را به نیکی با زنان (نساء: ۱۹)، احترام به حقوق آنان (بقره: ۳۲)، برقراری آرامش و محبت در خانواده (روم: ۲۱) و ممنوعیت ظلم به زنان (نساء: ۳۰) فرمان داده است. همچنین، از مردان می‌خواهد از زنانشان حمایت کنند و به مسئولیت‌های خود در قبال خانواده توجه داشته باشند (نساء: ۳۴). این حمایت نه فقط در بُعد مالی، بلکه در بُعد عاطفی و اجتماعی هم ضرورت دارد. گوستاو لوبون با مشاهده آموزه‌هایی از این دست در آیات قرآن می‌گوید رفتار نیکو از اسلام به دیگر فرهنگ‌ها و مذاهب منتقل شده است (لوبون، ۱۳۱۸: ۵۰۲).

۴.۲. پیامدهای اجتماعی حمایت‌های قرآن کریم از زنان

فعالیت اجتماعی پاسخی به نیاز فطری زنان برای حضور در عرصه‌های مختلف اجتماع است و این امکان را فراهم می‌کند تا زنان نقش خود را در برآوردن نیازهای مردم و جامعه ایفا کنند و از ظرفیت بالقوه نیمی از افراد اجتماع به‌خوبی استفاده شود:

هرگونه کمک مستقیم زنان به ارتقای وضعیت جامعه از نظر ارتباط‌های مدنی و همیاری‌های اجتماعی یا هرگونه عمل آگاهانه به منظور تقویت همبستگی و نشاط اجتماعی و کارآمدی در مسیر سعادت

بشری مشارکت اجتماعی به شمار می‌آید. مشارکت اجتماعی در این تعریف طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها را در بر می‌گیرد که زنان با آن می‌توانند سهم خود را در ارتقای وضعیت جامعه در مسیر سعادت بشری ایفا کنند (علاسوند، ۱۴۰۰: ۳۴۱).

در اسلام زنان مجاز به شرکت در انواع فعالیت‌های اجتماعی، اعم از فعالیت‌های عبادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی هستند. برای شرکت زنان در نماز جماعت و جمعه، به‌جا آوردن حج، شرکت در بیعت و هجرت، کمک به مجاهدان اسلام، تبلیغ دین، مراقبت از ارزش‌های اخلاقی و قانونی جامعه، نقد عملکردهای انحرافی، و نصیحت و نهی قانون‌شکنان اشتغال و تجارت می‌توان در آیات قرآن و تاریخ اسلام مصادیق فراوانی یافت (آیت‌اللهی، ۱۳۹۹: ۱۱). البته این فعالیت بر سه اصل مهم عقلی و شرعی تکیه دارد: اول، ممنوعیت تکلیف مالایطاق: «هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی‌کنیم» (مؤمنون: ۶۲)؛ دوم، قاعدهٔ عسر و حرج: «خداوند نخواسته است شما را در حرج و مشقت قرار دهد» (مائده: ۶؛ بقره: ۱۸۵)؛ سوم، قاعدهٔ نفي ضرر: «در اسلام ضرر و زیان رساندن به دیگران ممنوع است»: «وَلَا تُمَسِّكُوهُنَّ ضِرَارًا» (بقره: ۲۳۱)؛ «وَلَا تُضَارُّوهُنَّ» (طلاق: ۶۰). بر اساس این سه قاعده کلی، اگر تکلیفی در ادلهٔ دینی ذکر شده که زنی توان انجام‌دادنش را ندارد یا دچار مشقت تحمل‌ناپذیر یا ضرر می‌شود، بار این مسئولیت از دوشش برداشته می‌شود. معاف‌بودن زنان از جهاد، قضاوت و شهادت در دادگاه که هر یک مستلزم انجام‌دادن کاری دشوار یا پذیرفتن مسئولیتی سنگین است، از این زمره به شمار می‌آید (آیت‌اللهی، ۱۳۹۷: ۳۲).

قرآن کریم برای شرکت زنان در این فعالیت‌ها ضوابطی هم معین کرده است که می‌توان آن‌ها را به دو دسته تقسیم کرد: اول، ضوابطی که رعایت آن‌ها هم برای زنان و هم برای مردان واجب است: کنترل نگاه (نور: ۳۰-۳۱)، پرهیز از برقراری روابط نامشروع (نور: ۳۰-۳۱)، پرهیز از گفت‌وگوهای غیراخلاقی و بیش از حد، پرهیز از روابط رودررو (احزاب: ۵۳)، خودداری از لمس کردن و پرهیز از خلوت کردن با نامحرم (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۶/۵-۱۵۸) و دوم، ضوابطی که به زنان اختصاص دارد: ستر و پوشش (نور: ۳۱؛ احزاب: ۵۹)، پرهیز از خودآرایی و خودنمایی (احزاب: ۳۳)، وقار در راه‌رفتن (نور: ۳۱)، وقار در سخن‌گفتن (احزاب: ۳۲) و استفاده‌نکردن از بوی خوش (نوری، ۱۴۰۸: ۴۲۳/۱؛ علاسوند، ۱۴۰۰: ۳۴۵-۳۴۸).

ابعاد گوناگون حضور و فعالیت اجتماعی زنان را می‌توان در چهار بُعد سیاسی، نظامی، فرهنگی و

اقتصادی برشمرد:

۴.۲.۱. فعالیت سیاسی زنان

در قرآن از زنانی که در تغییر وضعیت سیاسی برای آرمان‌های الهی، و در براندازی ظلم تا اهتزاز پرچم عدل کوشیده‌اند به بزرگی یاد شده است. حضرت آسیه زنی است که برای اجرای عدالت علیه رفتار ظالمانه فرعون به پا خاست. او به همراه مادر و خواهر موسی سه زنی هستند که با سیاست‌های فرعون زمانشان مبارزه کردند و برای حفظ جان موسی، و رشد و تربیت او، جان خود را به خطر انداختند تا بساط فرعون برچیده شد (جوادی آملی، ۱۳۷۱: ۱۳۰). همچنین، قرآن کریم بلقیس، ملکه سبا را نمونه افراد سیاست‌مدار، دوراندیش، مدیر و مدبر و دارای رشد عقلانی معرفی می‌کند (نمل: ۳۸-۴۷). فعالیت سیاسی زنان در صدر اسلام نمونه‌های فراوانی دارد، از جمله حضرت خدیجه که در کمک به تشکیل حکومت الهی پیشگام بود (مطهری، ۱۴۰۲: ۲۴۶)؛ همچنین، زنانی که در جریان هجرت پیامبر اکرم (ص) با ایشان همراه شدند. تأیید مهاجرت زنان در آیات قرآن به معنای به رسمیت شناختن حقوق سیاسی آن‌هاست: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مَهَاجِرَاتٍ فَاْمْتَحِنُوهُنَّ» (ممتحنه: ۱۰) و «الَّذَاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ» (احزاب: ۵۰). یکی دیگر از مصادیق مشارکت سیاسی زنان در صدر اسلام بیعت با رسول خداست، مانند بیعت زنان با پیامبر اکرم (ص) پس از صلح حدیبیه: «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا» (فتح: ۱۸) و فتح مکه: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعَنَّكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِفْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِيهِنَّ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأُزْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (ممتحنه: ۱۲).

نمونه عالی فعالیت سیاسی زنان در اسلام را می‌توان در اقدامات حضرت فاطمه (س) برای دفاع از ولایت حضرت علی (ع) و جلوگیری از مسیر انحرافی مشروعیت‌بخشی به خلافت غضب‌شده مشاهده کرد که با روش‌های گوناگون صورت گرفت، از جمله: حضور در مسجد و تهدید خلیفه برای ممانعت از بیعت‌گرفتن اجباری از حضرت علی (ع)، سخنرانی در دفاع از حق مالکیت خود بر فدک و اعتراض سیاسی به حاکم وقت، رایزنی سیاسی با اصحاب پیامبر (ص)، اعتصاب کلامی و سکوت سیاسی در مقابل حاکمان وقت، ایجاد انقلاب درونی در خانه‌ها با آگاهی‌بخشی به زنان مدینه و سرانجام با وصیت‌نامه سیاسی خود و ممنوع‌کردن حضور حاکمان سیاسی وقت در مراسم سوگواری و دفن آن حضرت برای جلوگیری از بهره‌برداری سیاسی آن‌ها و نیز ایجاد تردید در مشروعیت حاکمان سیاسی (مؤمن، ۱۴۰۰: ۱۷۹-۱۸۴).

۲.۲.۴. فعالیت نظامی زنان

زنان در جهاد ابتدایی مکلف نیستند، اما در جهاد دفاعی، که دشمنان بر مسلمانان هجوم می‌آورند و قصد تسلط بر سرزمین‌های اسلامی یا به اسارت گرفتن مسلمانان، یا گرفتن اموال و چپاول ثروت‌هایشان، یا تعرض به حریم و زن و فرزند آنان را دارند، بر همگان (مردان و زنان) واجب است با تمام توان از خود دفاع کنند. علاوه بر آن، آموزش نظامی زنان برای ارباب و ترساندن دشمنان هم لازم است (قرآنی، ۱۳۷۶: ۳/۳۴۵). حضور زنانی چون حضرت فاطمه، ام‌سلمه و دیگران برای پشتیبانی تدارکاتی و پرستاری در میدان جهاد نمونه‌ای دیگر از مشارکت نظامی زنان است. حضرت زهرا (س) در جنگ احد از پیامبر اکرم (ص) پرستاری کردند (شهیدی، ۱۳۸۷: ۷۸). عصر علوی هم شاهد توانایی و آمادگی نظامی گروهی از زنان بود، آن هنگام که امیرالمؤمنین قصد بازگرداندن عایشه بعد از نبرد جمل به مدینه را داشت، او را به همراه یگان ویژه زنان توانمند و آموزش‌دیده که لباس مردانه پوشیده بودند به سوی مدینه فرستاد (مؤمن، ۱۴۰۰: ۱۷۰).

۳.۲.۴. فعالیت فرهنگی زنان

یکی از بارزترین عرصه‌های حضور اجتماعی زنان در اسلام عرصه فرهنگی است و مهم‌ترین میدانی که فرهنگ در آن تجلی می‌یابد میدان علم و دانش است. دانش زنان از سویی سطح فکری نیمی از افراد جامعه را رشد می‌دهد و بستر مناسبی برای حضور فعال و سازنده‌شان در اجتماع فراهم می‌کند، و از سوی دیگر به ایفای نقش سازنده و بی‌بدیل زنان به عنوان مربی‌های اصلی هر جامعه برای رشد و تعالی فرزندان، زنان و مردان آن جامعه کمک خواهد کرد. هدف اصلی بعثت انبیا (ع) خارج کردن انسان‌ها از تاریکی نادانی به سوی روشنائی دانایی است. از این‌رو در اسلام علم‌آموزی بر همگان لازم است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۳۵). بر اساس صراحت کلام پیامبر اکرم (ص) زنان نیز مانند مردان لازم است در این زمینه بکوشند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱/۱۷۷). پیامبر (ص) نه فقط خود معارف آموخته از جانب خدا را بر همسرانش عرضه می‌دارد، بلکه مردان دیگر را هم امر می‌کند تا چنین روشی در زندگی با همسر اتخاذ کنند؛ از جمله آنکه به علی (ع) می‌فرماید: «فراگیر و به خانواده‌ات نیز بیاموز» (همان: ۱۰۰/۱۹۴). محصول این محافل علمی خانوادگی، حضرت فاطمه (س) و حضرت زینب (س) هستند که در وصفشان فرمودند: «عَالِمَةٌ غَيْرٌ مُعَلَّمَةٌ، فَهَمَّةٌ غَيْرٌ مُفَهَّمَةٌ» (همان: ۱۶۴/۴۵) و نیز همسران متفکری مانند ام‌سلمه، حفصه و... که در جوار پیامبر (ص) یا ائمه (ع) به مقامات رفیع علمی رسیدند (آیت‌اللهی، ۱۳۹۹: ۱۵۶).

از جمله امور فرهنگی که زنان نقش بی‌بدیلی در آن دارند جهاد تبیین است؛ همان‌طور که حضرت فاطمه (ص) پس از رحلت پیامبر (ص)، در دفاع از حریم ولایت و امامت و مبارزه با سازش‌کاری سیاسی با اقدامات فرهنگی گوناگون مانند سخنرانی، رایزنی و آگاهی‌بخشی در تبیین حقایق کوشیدند، امروزه نیز نقش مؤثر زنان در مقابله با تهاجم فرهنگی و پیش‌گیری از انحرافات اجتماعی بر کسی پوشیده نیست.

۴.۲.۴. فعالیت اقتصادی زنان

یکی دیگر از فعالیت‌های زنان در اجتماع فعالیت‌های اقتصادی است. گرچه زنان در عرصه کسب درآمد و مدیریت مالی، برخلاف مردان، مکلف نیستند و هیچ‌گونه هزینه و نفقه زندگی بر دوششان نیست، برابر مقتضیات و با رعایت شروط می‌توانند فعالیت اقتصادی داشته باشند. این کار گاهی به ضرورت تبدیل می‌شود، نظیر وقتی که پدر و نان‌آور خانواده از کار می‌افتد که در آن صورت همه فرزندان، حتی دختران، مسئول هستند (قرائتی، ۱۳۷۶: ۳۸/۷). فعالیت اقتصادی زنان در قرآن با استناد به ماجرای چوپانی دختران حضرت شعیب (قصص: ۲۳) اثبات‌پذیر است. فعالیت‌های تجاری حضرت خدیجه (س) که با تکیه بر آن از پیامبر (ص) پشتیبانی کرد (مطهری، ۱۴۰۲: ۲۴۶) و اداره باغ بزرگ فدک که بر عهده حضرت فاطمه (س) و کارگزاران بود و مدیریت منابع مالی فراوان آن از جمله فعالیت‌های اقتصادی مهم در صدر اسلام به شمار می‌رود. عوائد فراوان فدک منبع درآمدی برای دودمان پیامبر (ص) به منظور زندگی آبرومندانه و کمک به مستمندان بود و پشتوانه مالی خوبی برای حضرت علی (ع) در اداره امور وابسته به منصب خلافت محسوب می‌شد (مؤمن، ۱۴۰۰: ۱۷۹-۱۸۴).

همچنین، در قرآن کریم برنامه مشخصی برای حمایت‌های مالی از زنان طرح‌ریزی شده است، از جمله استقلال اقتصادی زنان، برخورداری از نفقه، مهریه، ارث و...، تا آنجا که گوستاو لوبون در بیان برتری وضعیت اقتصادی زنان مسلمان نسبت به زنان اروپایی می‌نویسد:

حقوقی که قرآن و کتاب‌های فقهی برای زن مقرر داشته است به مراتب بیش از آن حقوقی است که زنان اروپایی دارا هستند. یک زن مسلمان گذشته از مهریه‌ای که دارد، اموال شخصی او نیز به دست خود اوست و به هیچ وجه ملزم نیست که به عنوان شرکت در مخارج منزل مبلغی بپردازد (لوبون، ۱۳۱۸: ۵۱۲).

مهم‌ترین حمایت اقتصادی قرآن کریم از زنان این است که زن را مانند مرد دارای استقلال اقتصادی می‌داند. اموالی که زن از طریق دریافت مهریه، شغل، تجارت یا ارث به دست می‌آورد متعلق به خود اوست و برای مرد حقی در آن اموال نیست: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء: ۳۲). تأکید

ویژه‌آیه بر بهره‌مندی زنان از سهم خود و بیان جداگانه دارایی مرد و دارایی زن در آیه نشان می‌دهد برخلاف دوران جاهلیت و رسوم رایج در برخی اقوام و ملل، مدیریت شوهر بر خانواده باعث نمی‌شود اموال مشترکی از اموال مرد و زن به وجود بیاید، یا اختیاری افزون بر اموال خود برای مرد ایجاد شود (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۲۶۶).

علاوه بر آن، قرآن کریم در جهت حمایت اقتصادی از زنان، آن‌ها را از برخی حقوق مالی برخوردار می‌کند تا در قبال بر عهده داشتن مسئولیت‌های طبیعی، که آنان را در کسب درآمد محدود می‌کند، دچار محرومیتی نشوند. از جمله آن حقوق «نفقه» است. قرآن هزینه زندگی دختران را پیش از ازدواج بر دوش پدر، و پس از ازدواج بر عهده شوهر قرار داده است: «فَأَتَوْهُنَّ أُجُورَهُنَّ» (بقره: ۲۳۳؛ طلاق: ۶). زن در زندگی مشترک در قبال تمکین از شوهرش حق نفقه پیدا می‌کند، هرچند خود زن دارای مال باشد (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۲۸۹) و حتی اگر مرد به هر دلیلی توانایی تأمین آن را نداشته باشد، از عهده او ساقط نمی‌شود و در صورت امتناع مرد از دادن نفقه، حاکم شرع می‌تواند او را به نفقه‌دادن وادارد و حتی زن می‌تواند از حق طلاق برخوردار شود و در صورت ندادن نفقه، حتی با فوت شوهر، از عهده او خارج نمی‌شود و باید از اصل مال او پرداخت شود (همان: ۲۸۸).

مهریه از دیگر حقوقی است که قرآن در حمایت اقتصادی از زنان وضع کرده است. دادن مهریه به زنان پیشینه‌ای طولانی در تاریخ بشر دارد، ولی در عصر جاهلیت چون برای زنان ارزشی قائل نبودند، مهر آن‌ها را خود تصرف می‌کردند. گاهی هم مهر زن را ازدواج زن دیگری قرار می‌دادند (ازدواج شغار). اسلام بر تمام این رسوم ظالمانه خط بطلان کشید و مهریه را حق مسلم زن در نظر گرفت. آیه ۴ سوره نساء به همین منظور نازل شد: «مهر زنان را به طیب خاطر به آن‌ها بدهید و اگر پاره‌ای از آن را با کمال رضایت به شما بخشیدند، بگیریید که گوارایتان باد!» خداوند می‌فرماید: «مهریه را به زنان بدهید» و نفرمود: «مهریه زنان را بدهید» تا معلوم شود «مهریه، حق زن، و پرداخت آن به زن الزامی است و نباید مهریه زن را به پدر یا بستگان او پرداخت» (قرآنی، ۱۳۷۶: ۲/۲۷۹). به کارگیری واژه «صداق» هم اشاره به آن است که مهریه بهای زن نیست، بلکه هدیه‌ای است از طرف مرد به همسرش برای اثبات صداقت خود در محبت به زن و حسن نیتش در ادعای زناشویی. همچنین، زن مالک مهریه خود است و در گرفتن یا بخشیدن مهریه، آزاد و مستقل است و بخشش‌های اکراهی، اجباری یا رودربایستی اعتبار ندارد (همان).

تأسیس قانون کلی «ارث» در اسلام هم گام دیگری برای حفظ حقوق زن است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۱۴/۴) و دو محور اساسی دارد: یکی تثبیت ارث زنان: «لِلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ» (نساء: ۷) که تا آن زمان نه فقط از ارث محروم بودند بلکه خود، جزء اموال و میراث متوفا به حساب می‌آمدند. محور دوم به رسمیت شناختن استقلال مالی زنان با بهره‌مندی از ارث، و حق تصرف استقلالی در آن است، به گونه‌ای که مرد هیچ ولایتی بر مال زن نداشته باشد (مطهری، ۱۳۶۵: ۲۴۷). تفاوت در چگونگی تقسیم ارث میان مرد و زن هم به مسئولیت‌های مالی هر یک برمی‌گردد و سهم مالی بیشتر مردان از ارث، متناسب با پرداخت هزینه‌های بیشتری است که در شریعت برایشان تعیین شده است.

۵. الگوی سوم زن، الگوی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی

حاصل روش حمایتی قرآن کریم از زنان در عرصه‌های فردی و اجتماعی، ظهور الگویی برای زن مسلمان در انقلاب اسلامی است که سید علی خامنه‌ای از آن به «الگوی سوم زن مسلمان» تعبیر می‌کند. انقلاب اسلامی حرف و نگاهی نو و تحول‌آفرین در این موضوع پیش روی بشر گذاشت و پیامی عملی به دنیا داد. این نگاه جدید در قالب کُشگر و فعالیت «زن مسلمان ایرانی» عینیت یافت و «الگوی سوم زن» را تحقق بخشید، الگویی که نه شرقی است و نه غربی:

زن، در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی، و در تعریف غالباً غربی به مثابه موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شد. شیرزنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم «زن نه شرقی، نه غربی» است (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: B2n.ir/q62815).

زن مسلمان، زنی است که هویت و خصوصیات زنانه‌اش، ظرافت‌ها و لطافت‌های زنانه، احساسات رقیق، عواطف جوشان و مهر و محبت را که طبیعت و فطرت اوست، حفظ می‌کند و در خانواده محیطی امن و آرام به وجود می‌آورد تا در دامن پُرمهر و پُرعطوفت خود و با سخنان پُرنکته و مهرآمیزش فرزندان سالمی را از لحاظ روانی تربیت کند؛ در عین حال، در میدان ارزش‌های معنوی مثل علم و تحقیق، معرفت و تقرب به خدا پیشروی می‌کند. زن مسلمان هم در عرصه مسائل اجتماعی و سیاست حضور دارد و در شناخت آینده خود و کشور و شناخت اهداف ملی، درک و هوش سیاسی‌اش را با ایستادگی، صبر و مقاومت نشان می‌دهد و هم در شناخت اهداف بزرگ و اسلامی، اهداف کشورها و ملت‌های اسلامی، شناخت دشمن، روش‌ها و

توطئه‌های او پیشرفت می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱، در: B2n.ir/q6281)؛ همو، ۱۳۷۹، در: B2n.ir/u11589. یکی از بزرگ‌ترین خطاهای تفکر غربی درباره زن «برابری جنسیتی» است که در اثر بی‌توجهی به تفاوت ساحت‌های طبیعی زن و مرد به وجود آمده است. تفکرات غربی مبتنی بر معرفت‌شناسی مادی و غیرالاهی، نگاه غلطی درباره زن در کشورهای غربی ایجاد کرده است که بعید نیست در پروتکل‌های متفکران صهیونیست ریشه داشته باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: B2n.ir/d55536). این گفتمان غربی بر اساس محاسبه‌ای دقیق با مردواره کردن زن و به اسم آزادی و استقلال، زن را به سمت آزادی جنسی و بی‌بندوباری پیش می‌برد و از زن همچون وسیله‌ای برای اطفای شهوت و کالایی برای تأمین منافع اقتصادی بهره‌برداری می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: B2n.ir/q62815؛ همو، ۱۳۹۲: B2n.ir/f20869). در اندیشه سید علی خامنه‌ای یکی از الزامات مهم در مسیر این حرکت «خالی کردن ذهن از کلیشه‌های افکار غربی و رد مرجعیت آن» درباره مسئله زن است (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: B2n.ir/d55536). زن مسلمان ایرانی با تکیه بر آموزه‌های قرآنی می‌تواند الگویی برای دیگر زنان در جوامع اسلامی و غیراسلامی باشد و با حفظ هویت اسلامی‌اش، در عین حال از ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی بهره‌مند شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

بررسی ادعای سودمندی برابری جنسیتی برای زنان در این پژوهش نشان داد که شیوه حمایتی سند ۲۰۳۰ از زنان با احقاق حقوق زنان در تناقض است و مشکلات جدیدتری برای زنان در خانواده و جامعه به وجود می‌آورد. نتایج عملی وضع و اجرای این قوانین در کشورهایی که در پی ایجاد این مساوات بوده‌اند، چیزی نیست که بتواند برای دیگران الگوی مناسبی قرار گیرد و دیگر کشورها را به تبعیت از آن تشویق کند. در کشورهای غربی، که سال‌هاست اجرای الگوی تساوی کامل زنان با مردان پیگیری می‌شود، شاهد خشونت گسترده علیه زنان، خصوصاً خشونت جنسی در محل کار، گسترش روزافزون انحلال خانواده‌ها، افزایش خانواده‌های تک‌والدی، کاهش روزافزون ازدواج و گسترش وسیع روابط جنسی نامشروع، سقط‌جنین‌های مکرر، گسترش بزهکاری جوانان، پرخاشگری کودکان، خلأ شدید معنویت، بحران‌های روحی زنان و تنهایی و افسردگی روزافزونشان هستیم. سند ۲۰۳۰ با به‌کارگیری واژگان مبهم و تفسیرپذیر و به کمک تبلیغات گسترده، تجربه زیانبار زنان غربی را با ابزارهای سازمان ملل بر سایر زنان جهان تحمیل می‌کند. در حالی که الگوی عدالت جنسیتی برگرفته از آیات قرآن کریم، با تکیه بر تمایلات فطری زنان و در جهت حفظ کرامت، سلامت و امنیت آن‌ها، به صورت

پیشگیرانه زنان را از بسیاری از مشکلات و آسیب‌های احتمالی محفوظ می‌دارد. در این روش، زن در خانواده در کنار همسر و فرزندانش قرار می‌گیرد که در سایه آرامش و امنیت حاکم بر آن، امکان رشد و تعالی برای او و دیگر اعضای خانواده در عرصه‌های گوناگون اجتماع نیز فراهم می‌شود.

پیشنهاد می‌شود به تجربه تاریخی کشورهای مسلمان توجه شود که نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین آسیب‌هایی که این کشورها در طول سال‌ها متحمل شده‌اند ناشی از اعتماد به برنامه‌های فرهنگی بیگانگان بوده است. این برنامه‌ها بدون بررسی و دقت کافی وارد کشور شده و به فرهنگ دینی و بومی نفوذ کرده و فرهنگ غربی را با خود وارد کرده‌اند. بنابراین، متولیان امور باید با برخورداری از بصیرت و تخصص و با بررسی همه‌جانبه اطمینان حاصل کنند که این‌گونه اسناد بین‌المللی با منابع اسلامی در تضاد نیستند. مسئولان کشور هنگام مواجهه با سند ۲۰۳۰ و سندهای مشابه، نباید صرفاً به بررسی ظاهری جملات و عبارات بسنده کنند. تحلیل دقیق فرامتنی هر سند بین‌المللی، که تعهدات متعددی برای دولت و مردم یک کشور به همراه دارد، بسیار مهم است، به‌ویژه چون بسیاری از کشورهایی که در تهیه و ترویج این اسناد مشارکت دارند سابقه‌ای طولانی در استعمار و بهره‌برداری از دیگر کشورها دارند نباید خوش‌بینی یا تسامحی در این زمینه صورت گیرد.

از طرفی، نظام اسلامی باید برای جلوگیری از تغییرات نامطلوب فرهنگی و آلوده شدن به انحرافات فرهنگی غرب، در امضای سند ۲۰۳۰ یا اسناد مشابه تحت تأثیر تبلیغات جهانی و فشارهای مجامع بین‌المللی قرار نگیرد. همچنین، ضروری است متفکران جامعه اسلامی با استفاده از وسایل تبلیغاتی جدید و خلاقانه، نتایج واقعی و عملی سند ۲۰۳۰ را تبیین کنند و برتری رویکرد حمایتی قرآن کریم از زنان را بر آن نشان دهند و در معرفی و تبلیغ شاخصه‌های «الگوی سوم زن مسلمان» بکوشند.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۰). ترجمه: محمد مهدی فولادوند، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- آیت‌اللهی، زهرا (۱۳۹۷). حقوق زنان: برابری یا نابرابری؟، جلد دوم (پاسخ به شبهات مسائل زنان)، قم: دفتر نشر معارف با همکاری پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی، چاپ دوم.
- آیت‌اللهی، زهرا (۱۳۹۹). مشارکت اجتماعی زنان در اسلام: سیاست، دانش و اقتصاد، تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده.
- اسعدی، سید حسن (۱۳۹۱). حقوق زن: پژوهشی تطبیقی درباره حقوق زن، تهران: میزان، چاپ اول.

- اونز، گیل (۱۳۸۰). مردانه بازی کن، زنانه پیروز باش، ترجمه: ویدا اسلامی، تهران: کتابسرای تندیس.
- جواد آملی، عبدالله (۱۳۷۱). زن در آینه جلال و جمال، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ دوم.
- _____ (۱۳۹۱). مفاتیح الحیاة، تحقیق و تنظیم: محمدحسین فلاحزاده، یدالله مقدسی، سید کمالالدین عمادی، محمود لطیفی و جعفر آریانی، قم: اسراء، چاپ اول.
- _____ (۱۴۰۱). خانواده متعادل و حقوق آن، قم: اسراء، چاپ چهارم.
- جهانیان، ناصر (۱۳۹۷). «نقدی بر دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار»، در: اقتصاد اسلامی، س ۱۸، ش ۷۲، ص ۳۵-۶۱.
- حبیبی، رضا (۱۳۹۶). واکاوی بنیان‌های ایدئولوژیک سند ۲۰۳۰، تهران: کتاب فردا.
- حسینی اکبرنژاد، هاله؛ حسینی اکبرنژاد، حوریه (۱۳۹۸). قلمرو تعهدات بین‌المللی در چارچوب اهداف چهارم و پنجم سند توسعه پایدار ۲۰۳۰: آموزش و برابری جنسیتی، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، چاپ اول.
- خسروشاهی، قدرت‌الله؛ یراقی، سعیده (۱۳۹۲). «بررسی انتقادی کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان در پرتو منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات راهبردی زنان، س ۱۶، ص ۱۴۷-۱۷۵.
- خسروی، زهره (۱۳۸۰). «بررسی آسیب‌های روانی اجتماعی زنان سرپرست خانواده»، در: نشریه علوم انسانی الزهرا، س ۱۱، ش ۳۹، ص ۷۱-۹۴.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
- دیوبور، سیمون (۱۴۰۰). جنس دوم، ترجمه: قاسم صنعوی، تهران: طوس، چاپ هجدهم.
- دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۶۹). لذات فلسفه، ترجمه: عباس زریاب خوئی، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ پنجم.
- رمضان‌نی، حسین (۱۳۹۹). توسعه پایدار: نقد و بررسی سند ۲۰۳۰، تهران: کانون اندیشه جوان، چاپ دوم.
- سند دستور کار ۲۰۳۰ (۱۳۹۴). دگرگون ساختن جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار، ترجمه: سعدالله نصیری قیداری، تهران: کمیسیون ملی یونسکو.
- شهیدی، سید جعفر (۱۳۸۷). زندگانی فاطمه زهرا (س)، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صابری فتاحی، سید مجید؛ و دیگران (۱۳۹۹). واقعیت آموزش در سند «توسعه پایدار» ۲۰۳۰؛ فلسفه، تضادها و چالش‌ها، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با همکاری پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، مشهد: دانشگاه فردوسی، چاپ اول.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: محمدباقر موسوی، ج ۴ و ۱۸، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
- علاسوند، فریبا (۱۴۰۰). زن در اسلام: مبانی، حقوق و تکالیف، قم: مرکز نشر هاجر، چاپ اول.
- فردمن، جین (۱۳۸۱). فمینیسم، ترجمه: فیروزه مهاجر، تهران: آشیان.

- فعالی، محمدتقی (۱۳۸۸). «جنسیت، فمینیسم یا ذات‌گروی الاهی با تأکید بر عدالت جنسیتی»، در: مطالعات راهبردی زنان، س ۱۲، ش ۴۶، ص ۱۵۶-۱۹۵.
- قرآنتی، محسن (۱۳۷۶). تفسیر نور، ج ۲ و ۷، قم: مؤسسه در راه حق، چاپ دوم.
- کلینی رازی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). اصول کافی، ج ۱ و ۵، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم.
- گاردنر، ویلیام (۱۳۹۶). جنگ علیه خانواده، برگردان و تلخیص و تدوین: معصومه محمدی، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، چاپ چهارم.
- لویون، گوستاو (۱۳۱۸). تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید محمدتقی فخر داعی‌گیلانی، تهران: کتاب‌فروشی علمی، چاپ اول.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۱، ۱۳، ۷۸، ۱۰۰ و ۱۰۱، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة الثانية.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۶): میزان الحکمة، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، چاپ هفتم.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام، پایگاه اطلاع‌رسانی آثار حضرت آیت‌الله مصباح یزدی، چاپ سوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۵). نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا، چاپ پنجم.
- مطهری، مرتضی (۱۴۰۲). سیری در سیره نبوی، تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ و دیگران (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، ج ۱۷، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ دهم.
- مهریزی، مهدی (۱۳۹۳). قرآن و مسئله زن، تهران: مؤسسه فرهنگی دین‌پژوهی بشر، چاپ اول.
- مؤمن، رقیه‌السادات (۱۴۰۰). بازخوانی هویت زن در سنت علوی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- نوری، حسین (محدث نوری) (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل، ج ۱، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- هاجری، عبدالرسول؛ کاوه‌میران، میترا؛ آیت‌اللهی، زهرا (۱۳۸۳). بررسی سند بین‌المللی حقوق جهانی زنان: کنوانسیون رفع انواع تبعیض علیه زنان، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- هیولت، سیلویا آن؛ و دیگران (۱۳۸۳). فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، تهران: دفتر نشر معارف.
- Khamenei.ir
- <https://www.unwomen.org/en>
- <https://iran.un.org/fa/sdgs>
- [https://sharpmagazine.com/Sexual assault in the United States military](https://sharpmagazine.com/Sexual%20assault%20in%20the%20United%20States%20military)
- <https://www.un.org/womenwatch/daw/cedaw>